

جناب آقا

شیخ علی اکبر مازگانی

هو الله

و از جمله مهاجرین و مجاورین جناب آقا شیخ علی اکبر مازگانی بود * این سرور آزادگان و سر حلقهء آوارگان طفل رضیع بود که درمازگان از پستان عنایت شیر خوار گشت سلیل حضرت فاضل جلیل شیخ مازگانی بود * پدر پاک گهرش در قمصر کاشان شخص شهیر بود و در زهد و تقوی بی‌مثیل و نظیر جامع اخلاق حمیده بود و دارای اطوار پسندیده در خوش خوئی مسلم عموم بود و در حلاوت مشرب در نزد کلّ مشهور و معلوم * در محبت الله چون خلع عذار کرد و کشف اسرار نمود بیوفایان از آشنا و بیگانه روی گردان گشتند و بر قتل آن بزرگوار قیام نمودند * مدّتی ترویج دین مبین نمود و تهییج قلوب سائرین میکرد و اکرام بر واردین مینمود * تا آنکه در کاشان صیت و صوت ایمان و ایقان او بکهکشان رسید عوانان دست تطاول گشودند و مروّت و رحم ننمودند و آن شیخ جمیل را شهید در سبیل ربّ جلیل کردند *

پسر مهر پرور جناب شیخ علی اکبر زیست در آن کشور نتوانست اگر بدست ستمکاران می افتاد بعد از پدر او نیز مانند پدر مهربان عرضه شمشیر میگشت * و هر چند مومی الیه در عراق مدّتی بشرف لقا فائز بود بعد بایران رفت دو باره شوق مشاهده شعله ور شد و با حرم خویش سرگشته کوه و بیابان گشت پیاده و سواره قطع مراحل نمود و از سواحل مرور کرده با ضجیع خویش ببقعه مبارکه واصل گشت و در پناه حقّ امن و امان یافت و در ظلّ سدره منتهی روح و ریحان جست و بعد از صعود طلعت مقصود روحی لاحبّائه الفداء ثابت عهد و پیمان بود و نابت از فیض رحمت یزدان * بصرف فطرت از شدّت محبّت شوق شاعری داشت و آرزوی قصائد و غزلخوانی ولی عاری از سجع و قوافی: "قافیه اندیشم و دلدار من" "گویدم مندیش جز دیدار من" باری، شیخ مذکور در نهایت فرح و سرور شوق صعود بجهان ربّ غفور داشت لهذا بنار اشتیاق میگذاخت عاقبت از این جهان رفت و در جهان بالا خیمه بر افراخت * امطر الله علی جدّته الوابل الهطّال من ملکوت الغفران و متّعه بالفوز العظیم فی فردوس الجنان و افاض علیه سجال الرّحمة فی جنّة الرّضوان *